



توصیف «تعهد به محاکمه» به عنوان «تعهد عام‌الشمول گروهی»: مناقشه حقوقی بلژیک و سنگال در دیوان بین‌المللی دادگستری*



یداله شبانکاره^{***} - دکتر لیلا رئیسی^{***} - دکتر محمدحسین رضضانی قوام‌آبادی^{****}

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

به دنبال کوتاهی دولت سنگال از ایفای تعهداتش از جمله بر طبق ماده (۱) ۷ کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) مبنی بر «تعهد به محاکمه» در قبال آقای هسین هابره رئیس جمهور سابق چاد که به ارتکاب اعمال شکنجه متهم شده بود، دولت بلژیک دعوی علیه آن دولت در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمود. دیوان در رأی ۲۰ جولای ۲۰۱۲ خود با تأکید بر ممنوعیت شکنجه به عنوان یک «قاعده آمره» تعهد به محاکمه را در چارچوب کنوانسیون منع شکنجه یک «تعهد عام‌الشمول گروهی» توصیف و دریافت که وجود «منفعت مشترک» دولت‌های عضو کنوانسیون در رعایت این تعهد به تنهایی برای پذیرش دعوی هر دولت عضو کافی است و از این رو لازم نیست بلژیک بعلاوه دارای «منفعت خاص» باشد. این رأی واجد پیامدهای حقوقی است و دو پرسش مهم را بی پاسخ گذاشته است که بررسی آنها موضوع بحث این مقاله می‌باشد. این که بلژیک به عنوان یک «دولت زیان دیده» حق درخواست استرداد هابره یا محاکمه او را از سنگال داشته است یا خیر؟ و دیگر اینکه توصیف «تعهد به محاکمه» به عنوان «تعهد عام‌الشمول گروهی» منحصر به کنوانسیون منع شکنجه و نظائر آن است یا به سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی این تعهد قابل توسعه می‌باشد؟ با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، مفروض کلی، آن است که توسعه تعهدات عام‌الشمول گروهی توسط دیوان فرصت‌های مغتنمی برای اجرای بیشتر ارزش‌های جامعه بین‌المللی و جبران نقض‌های حقوق بشر به ارمغان می‌آورد. بر این مبنا، در پرتو تحلیل و نقد رأی دیوان، نشان داده خواهد شد که دولت‌های عضو تمامی کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی این تعهد می‌توانند با اثبات وضعیت خاص متفاوتی که با سایر دولت‌های عضو دیگر دارند به عنوان «دولت زیان دیده» به مسئولیت دولت مسئول استناد نمایند.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری حقوق بین‌الملل یداله شبانکاره با راهنمایی دکتر لیلا رئیسی است.

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران.

*** دانشیار عضو هیأت علمی گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. / نویسنده

مسئول / ایمیل: leila.raisi@khuisf.ac.ir

**** دانشیار عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

کلیدواژگان

تعهد به محاکمه، استرداد، شکنجه، تعهد عام‌الشمول گروهی، دیوان بین‌المللی دادگستری، کنوانسیون منع شکنجه، مسئولیت بین‌المللی دولت.

مقدمه

در ۱۹ فوریه ۲۰۰۹، دولت بلژیک دادخواستی علیه دولت سنگال به دلیل نقض کنوانسیون منع شکنجه و سایر تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی در ارتباط با محاکمه آقای هیسن هابره یا استردادش به بلژیک به منظور محاکمه وی، در دفتر دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رساند.^۱ هابره در یکم دسامبر ۱۹۹۰ به کشور سنگال پناهنده شد (ICJ, 2012: 2.20-2.23).

در ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۰، یک تبعه بلژیکی با اصالت چادی شکایتی نزد یک قاضی تحقیق بلژیکی علیه آقای هابره به اتهام نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شکنجه و جنایت نسل زدایی مطرح و ثبت کرد (ICJ, 2012:19). در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ قاضی تحقیق بلژیکی قرار بازداشت هابره را به طور غیابی صادر کرد و در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۵ دولت بلژیک قرار بازداشت صادره را برای دولت سنگال ارسال و استرداد هابره را به بلژیک درخواست کرد (ICJ, 2012: 21). شعبه دادگاه تجدیدنظر داکار همه این درخواست‌ها را با قانون استرداد متهمان سنگال مغایر تشخیص داد و آنها را رد کرد (ICJ, 2012:38-40).

با وجود تعداد چهل هزار قتل عمدی و اعمال شکنجه ارتکاب یافته توسط رژیم هابره اما دولت بلژیک فقط از طرف چندین قربانی هابره که به تازگی تابعیت و شهروندی بلژیک را کسب کرده بودند اقدام کرد (ICJ, 2012:19-21).^۲

یکی از مهمترین جنبه‌های رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه هابره که در آن دولت بلژیک خواهان استرداد یا محاکمه آقای هابره رئیس‌جمهور پیشین چاد و متهم به ارتکاب اعمال

^۱. Hissene Habre.

^۲. مشخصات این پرونده به این شرح می‌باشد:

ICJ, Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite, (Belgium v. Senegal), 20 July 2012, in Website: www.icj-cij.org.

^۳. International Warrant for the Arrest.

^۴. نک: گزارش کمیسیون تحقیق راجع به جنایات و سوء استفاده‌های مالی هابره

Comm'n of Inquiry, Report of the Commission of Inquiry into the Crimes and Misappropriations Committed by Ex-President Habre, His Accomplices and / or Accessories, In 3 TRANSITIONAL JUSTICE: How Emerging Democracies Reckon With Former Regimes 51, 81 (Kritz, N.J. ed., 1995).

^۵. ICJ, at 605, Paras. 21-23 (dissenting opinion by Sur, J.ad hoc); Habre case, Application Insituting Proceedings, Paras 3,11,15 (Feb.19, 2009), <http://www.i.c.j-c.i.j.org/files/case-related/144/15054.pdf>; Habre1,2010), http://www.i.c.j-c.i.j.org/files_related/144/16933.pdf; Habre case, verbatim Record, Paras.1.3-1.4,1.12-1.13 (Mar.12,2012,10:20a.m.) , <http://www.i.c.j-c.i.j.org/files/case-related/144/144/20120212-ORA-01-01-01-BL.Pdf>.

شکنجه و جنایت علیه بشریت از دولت سنگال (محل حضور هابره) بود، بررسی «قابل پذیرش بودن» ادعای بلژیک علیه سنگال است.^۱ «اهمیت این موضوع به این دلیل است که استدلال دیوان راجع به قابل پذیرش بودن ادعای بلژیک بر تفسیر بعدی آن از «موضوع و هدف» کنوانسیون منع شکنجه و «ماهیت و مفهوم» تعهد به استرداد یا محاکمه مذکور در ماده ۷ این کنوانسیون تأثیر گذاشته است» (Garrod, 2018: 137). دیوان با تفسیر مقدمه کنوانسیون، «موضوع و هدف» آن را «موثر ساختن مبارزه با شکنجه در سراسر جهان» دانسته که دولت‌های عضو، دارای منافع مشترکی هستند تا اطمینان حاصل کنند که از اعمال شکنجه جلوگیری می‌شود و مرتکبان آن از تعقیب و مجازات مصون نخواهند ماند. همه دولت‌های عضو دیگر، منافع مشترکی در اجرای تعهدات دولتی دارند که متهم در قلمرو آن حضور دارد. دولت بلژیک در باب قابل پذیرش بودن دعوایش دو مبنا را در نظر داشت. یکی اینکه مدعی بود به دلیل داشتن «منفعت خاص» دارای وضعیت متفاوتی است که آن دولت را از دیگر دولت‌های عضو کنوانسیون متمایز می‌سازد و از این حیث یک دولت زیان‌دیده به مفهوم ماده ۴۲ طرح مواد مسئولیت دولت^۲ است و می‌تواند به مسئولیت سنگال استناد کند. دیگر اینکه، هر دولت عضو کنوانسیون منع شکنجه صرف‌نظر از ملیت قربانیان حق دارد به مسئولیت دولت دیگر عضو کنوانسیون به خاطر کوتاهی‌اش در اجرای تعهدات مربوط استناد کند و از اینرو یک دولت غیر زیان‌دیده در مفهوم ماده ۴۸ نیز می‌باشد (ICJ, 2012: 65).

دیوان بین‌المللی دادگستری بلژیک را فقط به عنوان یک دولت غیر زیان‌دیده در مفهوم بند الف (۱) ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت قابل پذیرش دانست (ICJ, 2012: 70, 68). «این ماده تصریح می‌کند که هر دولت عضو کنوانسیون در برابر هر دولت عضو دیگر همان کنوانسیون بابت کوتاهی از ایفای تعهداتش که به عنوان تعهدات عام‌الشمول گروهی شناخته می‌شود، دارای مسئولیت است. دیوان «تعهد به محاکمه» را یک تعهد عام‌الشمول گروهی دانسته و از این رو اعلام می‌کند که دعوای بلژیک قابل پذیرش است» (Bickram Rana, 2018: 196).

پرسش اصلی که این مقاله درصدد یافتن پاسخ آن می‌باشد این است که توصیف دیوان بین‌المللی دادگستری از تعهد به محاکمه به عنوان یک تعهد عام‌الشمول گروهی به این معنا است که دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه هیچ منفعت شخصی در رعایت و اجرای این تعهد توسط سایر دولت‌های عضو ندارند؟ دو پرسش فرعی نیز این است که با توجه به آنکه تعدادی از قربانیان جنایات آقای هابره از اتباع دولت بلژیک بودند، این دولت بر طبق ماده (ج) (۱) ۵ کنوانسیون منع شکنجه حق اعمال صلاحیت قضایی خود بر مبنای «اصل صلاحیت شخصی منفعل»^۳

^۱. Admissibility.

^۲. Object and Purpose.

^۳. Specially Interest.

^۴. مشخصات این سند به این شرح است:

ILC, Draft Articles on Responsibility of State for Intrnationally wrongful Acts, Adopted on 12 December 2001, U.N.G.T.A 56138 A 65/149(1) Corr 4, (ARSIWA).

^۵. Principle of Passive Personality

را داشت یا خیر؟ و سرانجام اینکه، توصیف تعهد به استرداد یا محاکمه به عنوان تعهد عام‌الشمول گروهی منحصر به کنوانسیون منع شکنجه و نظائر آن است یا به سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی این تعهد نیز قابل توسعه است؟

پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که گسترش تعهدات عام‌الشمول گروهی توسط دیوان واجد پیامدهای حقوقی در توسعه حقوق بین‌المللی عمومی بوده و فرصت‌های مغتنمی برای اجرای بیشتر ارزش‌های جامعه بین‌المللی همچون اجرای عدالت کیفری بین‌المللی و جبران نقض‌های حقوق بشر و مبارزه با پدیده «بی‌کیفرمانی» به ارمغان می‌آورد. با این حال، تحقق این هدف مستلزم توسعه این مفهوم به انواع مختلف کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به جرایم بین‌المللی بوده و دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها می‌توانند با استناد به وضعیت خاص متفاوتی که با سایر دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها دارند دارای «منفعت خاص» بوده و به مسئولیت دولت مسئول استناد نمایند. این پژوهش، بر روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های علمی حقوقی موجود مبتنی می‌باشد. از این‌رو، در تبیین این بحث، مقاله حاضر پس از طرح پیشینه و تمهید مفهومی و مبانی نظری و تاریخچه موضوع، پیامدهای حاصل از رأی دیوان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به انتقادات وارد بر آن خواهد پرداخت.

۱- پیشینه موضوع

استویان میکونف پانوف، در کتاب خود تحت عنوان «تعهد به استرداد یا محاکمه در حقوق بین‌الملل: دامنه، مفهوم، منابع و اجرای تعهد به استرداد یا محاکمه» به موضوع بحث حاضر اشاره نموده و عقیده دارد، آنجائی که دیوان اعلام می‌کند «نیازی وجود ندارد که بلژیک به علاوه دارای یک منفعت خاص برای شکایت از سنگال باشد (ICJ, 2012: 70)، دقیقاً به این معنا است که وجود منفعت مشترک با حق شخصی هر دولت در استناد به مسئولیت دولت مسئول همپوشانی دارد و از این‌رو نیاز به اثبات وجود منفعت خاص یک دولت در استناد به مسئولیت دولت مسئول را برطرف می‌سازد» (Panov, 2016: 327-328). این در حالی است که، بلژیک مطابق با ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه دارای حق شخصی برای درخواست استرداد یا محاکمه آقای هابره می‌باشد.

ماتیو گارود، در بخشی از مقاله «گره‌گشایی از رابطه بغرنج میان تعهد معاهده‌ای استرداد یا محاکمه و صلاحیت جهانی در پرونده هابره» نوشته است که، «دیوان بین‌المللی دادگستری موضوع «منفعت مشترک» دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه در اقامه دعوی علیه دولت ناقض «تعهد به محاکمه» در دیوان را با این موضوع که دولت‌های عضو، هیچ منفعت شخصی در جلوگیری از بی‌کیفرمانی و معافیت از مجازات متهمان ادعایی از طریق الزام دولت محل حضور متهم به ایجاد صلاحیت قضایی و انجام محاکمه یا استرداد متهم به دولت متقاضی استرداد ندارند را در هم می‌آمیزد و میان این دو موضوع هیچ تفکیکی قائل نشده است» (Garrod, 2018: 140). این نویسنده

^۱. Impunity

تفصیلی در این باره ارائه نکرده و موضوع اصلی مقاله وی روی اصل صلاحیت جهانی متمرکز است.

ناوی اوکابیالا و همکارانش، در مقاله ای با عنوان «تعهدات عام‌الشمول در دیوان بین‌المللی دادگستری: از اقامه دعوی تا صدور رأی» نوشته است، ... تصدیق تعهدات عام‌الشمول گروهی در مورد نسل‌زدایی و شکنجه توسط دیوان، نشان می‌دهد که دیوان این نوع از تعهدات را فقط در قبال ممنوعیت‌هایی که اعتبار قاعده آمره یافته‌اند، پذیرفته است ... (Ukabiala and others, 2021: 239). این در حای است که برطبق ماده (الف) (۱) ۴۸ طرح مسئولیت دولت (۲۰۰۱) مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل وجود تعهدات عام‌الشمول گروهی در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی تأیید شده است. از این رو، خانم «سیسیلی رز» در مقاله خود با عنوان «اجرای منفعت جامعه در مبارزه با جرایم فراملی: ظرفیت برای دعاوی منفعت عمومی» عقیده داد، ... کنوانسیون‌هایی که دولت‌های عضو آنها در اجرا و رعایت تعهدات مندرج در آنها دارای منفعت مشترک هستند می‌توانند به عنوان تعهدات عام‌الشمول گروهی در نظر گرفته شوند ... (Rose, 2022: 57-82).

در پژوهش‌های داخلی می‌توان به مقاله آقای دکتر محمدحسین رضوانی قوام آبادی با عنوان «مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد به استرداد یا محاکمه در پرتو رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی بلژیک علیه سنگال» اشاره کرد که، بدون توضیح تفصیلی و صرفاً مقید به طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱) نوشته است که، «به نظر می‌رسد دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه بیشتر به مواد ۴۱ و ۴۸ طرح کمیسیون توجه کرده است و وقتی به ماده ۴۲ نگذاشته است... ماده ۴۲ به حق دولت زیان دیده اشاره می‌کند که در واقع حق شخصی در اجرای آن تعهد نسبت به آن دولت محسوب می‌گردد حال آنکه در ماده ۴۸ طرح مزبور به حق دولت غیرزیان دیده که در جهت منفعت جمعی عمل می‌کند، می‌پردازد» (رضوانی قوام آبادی، ۱۳۹۵: ۲۹)؛ (Ramazani Ghavamabadi, 2017: 29).

وجه مایز نوشتار حاضر با پژوهش‌های فوق که یا در تأیید رأی دیوان یا گزارش و توضیح آن و به عنوان یک بحث فرعی صورت گرفته، آن است که موضوع تعهد به محاکمه به عنوان یک تعهد عام‌الشمول گروهی، به صورت یک بحث مستقل و تفصیلی مورد بررسی قرار گرفته و رأی دیوان نقادانه تجزیه و تحلیل شده است.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

پیدایش مفهوم اصل یا قاعده «استرداد یا محاکمه» در حقوق بین‌الملل به این اندیشه حقوقی مربوط می‌شود که حفاظت از منافع جامعه بین‌المللی اقتضاء می‌کند تا تمامی دولت‌های عضو این جامعه در رابطه با سرکوب جرایم بین‌المللی و مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان این اعمال با یکدیگر همکاری نموده و مانع از آن شوند که این افراد بتوانند با متواری شدن از محل ارتکاب جرم و حضور در کشوری دیگر برای خود پناهگاه امن به وجود آورند.

¹. The Interest's of the International Society

این مبنای فکری برای عقلانی کردن اصل استرداد یا محاکمه، ریشه در نظریه های حقوقی اندیشمندان حقوق بین‌الملل کلاسیک، نظیر ویتوریا، جنتلی و گروسیوس در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی دارد که تلاش کرده‌اند تا التزام دولت‌ها به رعایت این اصل را بر مبنای ضرورت وجود یک هدف مهمتر و والا تر توجیه نمایند (Panov, 2016: 11-20).

به عقیده گروسیوس، «اعمال مجازات که از حقوق طبیعی دولت متضرر ناشی می‌شود، به دولتی که فرد خاطی در قلمرو اوست این اجازه را می‌دهد تا متعاقب درخواست دولت متضرر، یا خود به مجازات خاطی اقدام کند یا ترتیب استرداد فرد خاطی را به دولت صدمه دیده بدهد. این همان معنایی است که در روند تاریخی روابط میان ملت‌ها به استرداد مجرمین شهرت یافته است» (گروسیوس، ۱۳۹۵: ۴۵۴-۴۵۳)؛ (Grotius, 2016: 453- 454).

محمود شریف بیسونی^۲ (۲۰۱۷- ۱۹۳۷) حقوقدان مصری-آمریکایی دوره معاصر است که موضوع تعهد به استرداد یا محاکمه را در کتابی تحت همین عنوان مورد بررسی و مطالعه قرار داده است. به عقیده وی «اصطلاح تعهد به استرداد یا محاکمه به طور معمول به یک تعهد جایگزین^۳ استرداد یا محاکمه اشاره دارد که در تعدادی از معاهدات چند جانبه بین‌المللی با هدف همکاری بین‌المللی برای سرکوب انواع معینی از رفتارهای مجرمانه گنجانده شده است. این تعهد متضمن این معنا است که دولتی که یک مظنون به ارتکاب یک جرم بین‌المللی مورد نظر را در اختیار دارد، یا باید او را به دولت دیگری که آمادگی محاکمه دارد تحویل دهد (استرداد) یا تدابیر لازم را برای تعقیب متهم نزد دادگاه های داخلی اش اتخاذ نماید (محاکمه). جایگزین بودن این تعهد بدین معنا است که هر دولتی که مشمول این تعهد می‌شود می‌تواند یکی از این دو تعهد را انتخاب کند. چنین دولتی یا باید متهم را مسترد کند (اگر نمی‌خواهد محاکمه کند) یا باید متهم را محاکمه کند (اگر نمی‌خواهد او را مسترد نماید)» (Bassiouni and Wise, 1995: 3).

با توجه به آنچه گفته شد، تعهد به استرداد یا محاکمه مرتکبان جرایم بین‌المللی در اندیشه حقوقدانان کلاسیک یک تعهد کلی حقوقی در نظر گرفته شده است. همین گرایش فکری باعث شده است که امروزه تعهد به محاکمه یک تعهد عام‌الشمول گروهی شناخته شود.

۳- تاریخچه

تعهد به استرداد یا محاکمه^۴ در بیش از شصت کنوانسیون چندجانبه بین‌المللی راجع به جرائم بین‌المللی^۵ و همچنین در قطعنامه‌های الزام آور شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با اعمال

^۱. Rationalization.

^۲. Mahmoud Cherif Bassiouni

^۳. Alternative Obligation

^۴. The Obligation to Extradite or Prosecute (Aut Deder Aut Judicare)

^۵. فهرستی از این کنوانسیون‌ها که با کار کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به تعهد به استرداد یا محاکمه مربوط می‌شوند توسط دبیرخانه کمیسیون تهیه و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نک: UN Doc. A/CN.4/630,2010.

تروریستی آمده است.^۱ ... بیشتر کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به جرائم بین‌المللی از مدل خاصی از تعهد به استرداد یا محاکمه با عنوان «فرمول لاهه» تبعیت کرده‌اند. این فرمول برای اولین بار در کنوانسیون ۱۹۷۰ راجع به سرکوب و مقابله با توقیف غیرقانونی هواپیما^۲ گنجانده شد و به طور «متفق القول»^۳ به عنوان الگویی برای کنوانسیون‌های حقوق کیفری معاصر مورد استفاده قرار گرفته است. بدین ترتیب، این مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه ای متعددی با هدف سرکوب و مقابله با جرایم بین‌المللی خاص به ویژه در زمینه مقابله با تروریسم^۴ و سایر جرائم مختلف دیگر از جمله شکنجه^۵، مزدوری^۶، امنیت کارکنان ملل متحد^۷، جرائم سازمان یافته فراملی^۸، فساد^۹ و ناپدیدسازی اجباری^{۱۰} به کار گرفته شده است. «فرمول لاهه» مستلزم آن است که هر دولت متعاقد (دولت محل حضور متهم)^{۱۱} موظف است صلاحیت قضایی خود در مورد یک جرم بین‌المللی مانند شکنجه (در مورد کنوانسیون منع شکنجه)، زمانی که متهم در قلمرو قضایی آن دولت حضور دارد و او را مسترد نمی‌کند را اعمال کند... (Garrod, 2018: 133).

بدین ترتیب، ... در صورت عدم محاکمه متهم توسط دولتی که در قلمرو قضایی آن یافت می‌شود آن دولت مکلف به استرداد وی به دولت متقاضی استرداد است. در غیر این صورت موجب نقض تعهد بین‌المللی بوده و در نتیجه مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به همراه خواهد داشت ... (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۵: ۷)؛ (Ramezani Ghavamabadi, 2017: 7).

^۱ . تعهد به استرداد یا محاکمه در اسناد بین‌المللی و منطقه ای متعدد ضدتروریسم و قطعنامه های شورای امنیت آمده است. مانند، کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از بمب گذاری های تروریستی، ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷ (ماده ۶). نک:

International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings Art.6, Dec.15,1997, 2149 U.N.T.S.256y S.C.Res. 1373, Para.2 € (sept. 28, 2001).

^۲ . Hague Formula.

^۳ . Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, Dec.16, 1970, 22 U.S.T. 1641, 860 U.N.T.S. 105

^۴ . Unanimously Acknowledged.

^۵ . International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, DOC.9,1999, T.I.A.S. No.13075, 2178 U.N.T.S.197.

^۶ . Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment Art.7(1), Dec.10,1984, S. Treaty Doc. No.100-20, 1465 U.N.T.S.85.

^۷ . International Convention Against the Recruitment, Use, Financing and Training of Mercenaries, Dec.4, 1989, 2163 U.N.T.S 75.

^۸ . Convention on the Safety of United Nations and Associated Personal, Dec.9, 1994, Treaty Doc.No.107-1,2051 U.N.T.S. 363.

^۹ . Convention Against Transnational Organized Crime. Nov. 15,2000, T.I.A.S.No.13127,2225 U.N.T.S.209.

^{۱۰} . United Nations Convention Against Corruption,^{۱۱} Oct.31,2003, S. Treaty Doc.No.109-6, 2349 U.N.T.S. 41.

^{۱۱} . International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, Dec. 20,2006, 2716 U.N.T.S.3.

^۱ . The Custodial State

موضوع «تعهد به استرداد یا محاکمه» اولین بار در «قضیه لاکربی»^۱ مطرح شد. در این قضیه به نوعی میان قطعنامه‌های الزام آور شورای امنیت و تعهد به استرداد یا محاکمه تحت کنوانسیون مونترال، تلاقی ایجاد شده بود. از یک طرف مطابق ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، تعهدات دولت‌های عضو ملل متحد به موجب منشور بر تعهدات آنها به موجب هر معاهده بین‌المللی دیگر مقدم می‌باشد و از طرف دیگر، هم براساس کنوانسیون مونترال و هم بر طبق حقوق بین‌الملل عرفی، پذیرفته شده است که کشور مورد درخواست استرداد، وقتی خود مایل به محاکمه باشد، متعهد به استرداد اتباع خود نیست (ICJ, 1992: 129-130). «در نهایت و پیش از آنکه دیوان بین‌المللی دادگستری تصمیمی در ماهیت موضوع اتخاذ کند، آقای کوفی عنان^۲ دبیر کل وقت سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد تا دو متهم لیبایی موردنظر به کشور ثالثی (هلند) انتقال داده شوند تا نزد قضات اسکاتلندی و براساس قانون اسکاتلند محاکمه شوند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۷۹)؛ (Mirmohammad Sadeghi, 2013: 79).

به علاوه دیوان بین‌المللی دادگستری دو بار به موضوع عام‌الشمول گروهی بودن تعهدات ناشی از منع نسل‌زدایی و منع شکنجه پرداخته است. در نظریه مشورتی خود در قضیه «حق شرط بر کنوانسیون منع و سرکوب نسل‌زدایی» (ICJ, Advisory Opinion, 1951: 15, 23)، دولت‌های عضو این کنوانسیون هیچ منفعت شخصی نداشته و همگی صرفاً یک منفعت مشترک دارند و در نتیجه در کنوانسیونی شبیه به این کسی نمی‌تواند از سود و ضرر شخصی دولت سخن بگوید. دیوان در قضیه هابره (۲۰۱۲) نیز اعلام کرد که تعهد به محاکمه در چارچوب کنوانسیون منع شکنجه یک تعهد عام‌الشمول گروهی است زیرا این تعهد از منفعت مشترک همه دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه یعنی به حداقل رساندن بی‌کیفرمانی مرتکبان اعمال شکنجه است، حمایت می‌کند.^۳

۴- تحلیل رأی دیوان بین‌المللی دادگستری

در این قسمت، به بحث اصلی مقاله که تجزیه و تحلیل رأی دیوان می‌باشد می‌پردازیم و بر این مبنا ابتدا توصیف دیوان از تعهد به محاکمه به عنوان تعهد عام‌الشمول گروهی را تشریح و سپس پیامدهای حقوقی آن توضیح داده خواهد شد.

۴-۱- توصیف «تعهد به محاکمه» به عنوان «تعهد عام‌الشمول گروهی»

مطابق ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، اختلافات دولت‌ها بر اساس «رضایت»^۴

^۱. Lokerbi case: ICJ, Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention Arising from the Aerial Incident at Lockerbia (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom) and (Libiya Arab Jamahiriya v. united state of America) Provisional Measures of 14 April 1992, Reports (1992), P.P. 3-10.

^۲. Kofi Anan

^۳. مشخصات این پرونده به این شرح می‌باشد:

ICJ, Reservation to the convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Advisory Opinion, 1951.

^۴. Consent

آنها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. با این حال «تعهدات عام‌الشمول می‌تواند دیوان را قادر سازد تا بر مبنای رویکرد حقوق طبیعی از روابط دو جانبه فراتر برود» (Memeti and Nuhija, 2013: 32). این تعهدات بسته به گستره دولت‌هایی که می‌توانند به نقض آنها واکنش نشان دهند به «تعهدات عام المشمول (مطلق) یا در قبال همگان»^۱ و «تعهدات عام‌الشمول گروهی»^۲ تقسیم می‌شوند.

«مفهوم تعهدات عام‌الشمول (مطلق) را دیوان بین‌المللی دادگستری ابتدا در قضیه «بارسلونا تراکشن» (ICJ, 1970: 22-23) تصدیق و اعلام کرد که به عنوان مثال، این تعهدات در حقوق بین‌الملل معاصر، از منع اعمال تجاوزکارانه، منع نسل‌زدایی، منع نقض اصول و قواعد مربوط به حقوق بنیادین بشری از جمله حمایت از آنها در برابر بردگی و تبعیض نژادی ناشی می‌شوند»^۳ (فلسفی، ۱۳۹۱: ۶۶)؛ (Falsafi, 2012: 66).

همانند ایده تعهدات عام‌الشمول (مطلق)، «تعهدات عام‌الشمول گروهی نیز به دنبال ایجاد جایگاه حقوقی برای دولت‌هایی است که مستقیماً زیان‌دیده نبوده و به طور خاص از نقض این گونه تعهدات متأثر نشده‌اند، مشروط بر اینکه این دولت‌ها، طرف‌های عضو یک کنوانسیون چندجانبه بین‌المللی باشند» (Chow, 2021: 471). «به عنوان مثال، قواعد بشردوستانه مذکور در کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) به عنوان تعهدات عام‌الشمول گروهی مشخص شده‌اند» (Crawford, 2006: 646). بند الف ماده (۱) ۴۸ طرح مسئولیت دولت (ILC, 2001: 48(1)(A)) نیز به این نوع از تعهدات بین‌المللی اشاره دارد، تعهداتی که در قبال گروهی از دولت‌ها که برای حمایت از منافع جمعی آن گروه می‌باشند برعهده گرفته شده‌اند. مانند، تعهدات مربوط به حمایت از محیط زیست یا سیستم منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر. هدف این تعهدات، تشویق و تقویت یک منفعت مشترک دولت‌ها نسبت به دیگر منافع شخصی آنهاست^۴ (ILC, Commentaries, 2001: N7, 48).

با توجه به تعریف، ... از آنجا که در زمینه عرفی بودن تعهد به محاکمه هیچگونه اجماعی وجود ندارد ... (بیگ‌زاده و میرفلاح نصیری، ۱۳۹۳: ۱۲۷)؛ (Beygzadeh & Mirfallah nasiri, 2014: 127) بنابراین نمی‌تواند یک تعهد عام‌الشمول (مطلق) در نظر گرفته شده و مسئولیت دولت‌ها را بیش از تعهدات معاهده‌ای آنها تلقی نمود.

در قضیه هابره، دولت بلژیک از قابل پذیرش بودن ادعایش به دلیل داشتن «منفعت خاص» دفاع

^۱. Erga Omnes

^۲. Erga Omnes Partes

^۳. مشخصات این پرونده به این شرح می‌باشد:

ICJ, Barcelona traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain, 1970)

^۴. Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field (adopted 12 August 1949, entered into force 21 October 1950) 75 UNTS 31; Convention for the Amelioration of the condition of the Wounded Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, 1949 75 UNTS 85; Convention Relative to the Protection of civilian Persons in Time of war, 1949, 75 UNTS 287; Convention Relative to the Treatment of Prisoners of war, 1949, 75 UNTS 135

^۵. ILC, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally wrongful Acts, with Comentaries, 2001, (A/56/10).

می‌کرد و مدعی بود که به دلیل داشتن منفعت خاص دارای وضعیت متفاوتی است که آن دولت را از سایر دولت‌های عضو کنوانسیون متمایز می‌سازد (ICJ, 2012: 64-66). از اینرو بلژیک مدعی بود که یک دولت زیان‌دیده در مفهوم ماده ۴۲ طرح مسئولیت دولت (۲۰۰۱) است.^۱ دولت بلژیک عقیده داشت که، بدین دلیل دارای منفعت خاص است که به دنبال شکایت یک تبعه بلژیکی با اصالت چادی که از قربانیان جنایات هابره بود تحقیقاتی را در بلژیک آغاز کرده و از اینرو دادگاه-های بلژیک بر مبنای «صلاحیت شخصی منفعل» مندرج در ماده (ج) ۵(۱) کنوانسیون منع شکنجه مجاز به انجام دادرسی کیفری می‌باشند (ICJ, 2012: Para 65). بدین ترتیب، بلژیک از حق خود براساس ماده ۵ کنوانسیون برای اعمال صلاحیتش و درخواست استرداد هابره استفاده کرده است (ICJ, 2012: 65). به نوبه خود، سنگال عقیده داشت که بلژیک حق استناد به مسئولیت سنگال را ندارد زیرا در زمان وقوع جنایات ادعایی، هیچ یک از قربانیان، دارای تابعیت بلژیکی نبوده‌اند (ICJ, 2012: 64). با این حال، در طول دادرسی، بلژیک از قابل پذیرش بودن ادعایش بر این مبنا که هر دولت عضو صرف‌نظر از تابعیت قربانیان، حق دارد مدعی اجرای تعهد مربوطه باشد نیز استناد کند (ICJ, 2012: 65).

رأی دیوان صرفاً بر مبنای دوم قابل پذیرش بودن ادعای بلژیک متمرکز بود و اعلام کرد که بلژیک به عنوان یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه می‌تواند به مسئولیت سنگال در ارتباط با نقض تعهدات این کشور بر طبق مواد ۶ و ۷ کنوانسیون استناد کند (ICJ, 2012: 70). به عقیده دیوان، با توجه به «موضوع و هدف» کنوانسیون منع شکنجه، دولت‌های عضو این کنوانسیون در رابطه با حصول اطمینان از اینکه مرتکبان اعمال شکنجه از مجازات مصون نخواهند ماند دارای «منفعت مشترک» هستند (ICJ, 2012: 68). دیوان بر مبنای همین منفعت مشترک اعلام کرد: «تعهدات یک دولت عضو کنوانسیون به انجام تحقیقات مقدماتی پیرامون حقایق موضوع و تسلیم پرونده به مقامات صلاحیت دار خود برای محاکمه، با حضور متهم موردنظر در قلمرو سرزمینی اش، صرف‌نظر از تابعیت متهم یا قربانی و یا محل ارتکاب جرم، به جریان افتاده و ایجاد می‌شود. تمام دولت‌های دیگر عضو کنوانسیون، در مورد اجرای این تعهدات توسط دولت عضو که متهم موردنظر در قلمرو او حضور دارد، دارای منفعت مشترک هستند. این منفعت مشترک به معنای آن است که تعهدات مورد بحث، هر دولت عضو را در قبال تمام دولت‌های دیگر عضو کنوانسیون متعهد می‌سازد» (ICJ, 2012: 68). بر مبنای رأی دیوان، این تعهدات پیش‌بینی شده در کنوانسیون منع شکنجه می‌تواند به عنوان «تعهدات عام‌الشمول گروهی» در مفهوم ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت (۲۰۰۱) تعریف شود. به این معنا که هر دولت عضو در ارتباط با تعهداتشان در هر مورد خاص دارای منفعت می‌باشد. (ICJ, 2012: 68; ILC, Commentaries, 2001: at 65). به عقیده دیوان، منفعت مشترک در رعایت و اجرای تعهدات مربوطه تحت کنوانسیون منع شکنجه بر حق هر یک از

^۱ نک: گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به پنجاه و سومین نشست آن کمیسیون.

دولت‌های عضو کنوانسیون برای استناد به مسئولیت دولت دیگر عضو بابت کوتاهی در اجرای تعهدات عام‌الشمول گروهی اش و همچنین پایان دادن به نقض کنوانسیون دلالت دارد (ICJ, 2012:69). دیوان نتیجه می‌گیرد که، بدین ترتیب نیازی وجود ندارد که دیوان اعلام کند بلژیک در رابطه با تعهد سنگال بر مبنای ماده (ج) ۵(۱) کنوانسیون، دارای منفعت خاص است (Garrod, 2018: 137; ICJ, 2012: 20).

۴-۲- پیامدهای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری

عقیده دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر عام‌الشمول گروهی بودن تعهد به استرداد یا محاکمه واجد دو پیامد مهم است.

۴-۲-۱- عدم حمایت از «منفعت خاص»

دیوان برای اثبات حق بلژیک در اقامه ادعایش علیه سنگال منحصرأ از منفعت مشترک دفاع و حمایت کرد و اعلام می‌کند که آنها فقط دارای منفعت مشترک هستند. با وجود آنکه بلژیک از دیوان درخواست کرده بود که سنگال در صورت عدم محاکمه آقای هابره باید او را «بدون تأخیر بیشتر» به آن کشور استرداد نماید اما در نهایت دیوان دریافت که به طور کلی سنگال صرفاً به دلیل عدم رعایت تعهدات خود براساس بند ۲ ماده ۶ (انجام تحقیقات مقدماتی) و بند ۱ ماده ۷ (انجام محاکمه) کنوانسیون منع شکنجه دارای مسئولیت بین‌المللی است و از اینرو سنگال در صورت عدم استرداد آقای هابره به بلژیک باید پرونده را جهت محاکمه وی به مقامات صلاحیت دار خود تسلیم نماید (ICJ, 2012:14,118 & 121).

تأکید دیوان بر منفعت مشترک و عدم حمایت از منفعت خاص بلژیک به عنوان یک دولت زیان‌دیده واجد این پیامد حقوقی است که دولت بلژیک فقط همانند هر دولت عضو دیگر کنوانسیون منع شکنجه حق دارد از سنگال بخواهد تا تعهدات ناشی از کنوانسیون را اجرا و رعایت کند و نه بیشتر. قاضی اوادا با انتقاد از رأی دیوان اظهار می‌دارد که، دیوان موضوع پاسخ به یکی از ادعاهای اصلی بلژیک یعنی داشتن منفعت خاص در رابطه با درخواست استرداد آقای هابره و عدم اجابت این درخواست توسط سنگال را نادیده گرفته است (ICJ, Owada, 2012: 22-23). قاضی اسکوتینکوف به همین نتیجه رسیده و اظهار داشت که یکی از پیامدهای اجتناب ناپذیر تصمیم دیوان این است که موضوع صحت درخواست بلژیک برای استرداد آقای هابره حل نشده باقی مانده است (ICJ, Skotnikov, 2012:8). به عقیده وی، موضوع و هدف رژیم بی‌کیفرمانی، یعنی منفعت مشترک در حصول اطمینان از جلوگیری از ارتکاب اعمال شکنجه و مجازات آن از طریق محاکمه متهمان ادعایی و رفع معافیت آنها از تحمل مجازات به این معنا است که تمام دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه دارای منفعت حقوقی در حمایت از حقوق مربوطه هستند (ICJ, 1970: 33). آیا این بدان معنا است که دولت‌های عضو دارای هیچ منفعت خاصی نبوده و صرفاً دستیابی به موضوع و هدف کنوانسیون اهمیت دارد؟ (ICJ, 1951:23; ICJ, Skotnikov, 2012:11). در پاسخ به این انتقاد برخی عقیده دارند، «آنجایی که دیوان اعلام می‌کند که، نیازی وجود ندارد بلژیک به

^۱. "to Belgium without further ado".

علاوه دارای یک منفعت خاص برای شکایت از دولت سنگال باشد (ICJ, 2012:70)، دقیقاً به این معنا است که وجود منفعت مشترک با حق شخصی هر دولت در استناد به مسئولیت دولت مسئول همپوشانی دارد و از اینرو نیاز به اثبات وجود منفعت خاص یک دولت در استناد به مسئولیت دولت مسئول را برطرف می‌سازد» (Panov, 2016: 327-328). «دیوان برای قابل پذیرش دانستن ادعای بلژیک با هدف از جلوگیری از «خلاء وحشت»^۱ در موقعیت‌هایی که ممکن است مصونیت از مجازات حاکم شود، صورت گرفته است. زیرا در صورت فقدان شرط زیان دیدگی مستقیم، هیچ دولت غیرزیان دیده ای نمی‌توانست به مسئولیت دولت ناقض تعهدات عام‌الشمول گروهی در چارچوب یک کنوانسیون خاص استناد کند و این با موضوع و هدف چنین کنوانسیون‌هایی در تضاد است. با این حال، دریافت دیوان، نباید به گونه ایی تفسیر شود که یک دولت عضو کنوانسیون نمی‌تواند به طور مستقیم از نقض تعهدات عام‌الشمول گروهی متضرر شده و از این بابت ادعایش قابل پذیرش نباشد» (Mcgarry, 2023:298).

به عقیده ما، تصدیق وجود منفعت خاص برای دولت بلژیک که مدعی بود به دلیل آنکه تعدادی از قربانیان جنایات آقای هابره از اتباع آن کشور بوده که در دادگاه‌های بلژیک شکایاتی را مطرح نموده بودند، و اینکه می‌توانسته است در حدود ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه استرداد آقای هابره را درخواست نماید و در این رابطه دارای منفعت خاص می‌باشد، منطقی به نظر می‌رسد. در تأیید این نظر، کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در شرح مواد مسئولیت دولت (۲۰۰۱) تصریح کرده است که ممکن است وضعیت‌هایی وجود داشته باشد که در آن یک دولت در مفهوم ماده ۴۲ «زیان‌دیده» محسوب شود و دیگر دولت‌ها به موجب ماده ۴۸ بتوانند به عنوان دولت‌های «غیر زیان‌دیده» به مسئولیت دولت ناقض تعهد استناد کنند (ILC, Commentaries, 2001: N3, CH 1,3).

دیوان بین‌المللی دادگستری دو موضوع جداگانه را با هم در می‌آمیزد. «وقتی که دیوان تصدیق می‌نماید که هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه به منظور نظارت بر اجرای آن دارای منفعت مشترک بوده و هر دولت عضو حق دارد در رابطه با توقف عمل متخلفانه (نقض تعهد) توسط دولت عضو دیگر دعوائی را در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه نماید یک چیز است و اینکه دولت‌های عضو، هیچ منفعت شخصی در جلوگیری از بی‌کیفرمانی و معافیت از مجازات متهمان ادعایی از طریق الزام دولت محل حضور متهم به ایجاد صلاحیت قضایی و انجام محاکمه یا استرداد متهم به دولت متقاضی استرداد ندارند چیز دیگری است» (Garrod, 2018: 140).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که، همانطور که دولت بلژیک به دیوان متذکر شد که آن دولت هم به موجب ماده ۴۲ به عنوان دولت زیان‌دیده و هم به موجب ماده ۴۸ به عنوان دولت غیرزیان‌دیده قادر به استناد به مسئولیت دولت سنگال می‌باشد (ICJ, 2012:65)، به نظر می‌رسد که میان منفعت خاص یا شخصی یک دولت و منفعت مشترک آن دولت با سایر دولت‌ها در اجرای تعهد به محاکمه

^۱. Horror vacui

تعارضی وجود ندارد.

۴-۲- تأثیر آمریت ممنوعیت ارتکاب اعمال شکنجه بر تصمیم دیوان

تعهد به استرداد یا محاکمه تعهدی ایجابی و به فعل است و... دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی (ICJ, 2007:430) تعهد به پیشگیری و تعهد به مجازات ژنوسید [نسل زدایی] را از نوع تعهد به فعل تلقی کرده و اعلام می‌دارد، دولت‌ها موظف هستند در قالب ابزارهای در دسترس موجود در حقوق بین‌الملل، مانع از ارتکاب ژنوسید [نسل زدایی] شده یا نسبت به مجازات عاملان آن اقدام کنند... (عابدینی، ۱۴۰۲: ۲۱)؛ (Abedini, 2023:21). به علاوه، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در قضیه «حق شرط بر کنوانسیون منع و سرکوب نسل زدایی» (ICJ, 1951:15, 23) اعلام کرد که، دولت‌های عضو این کنوانسیون هیچ منفعت شخصی نداشته و همگی صرفاً یک منفعت مشترک دارند و در نتیجه در کنوانسیونی شبیه به این کسی نمی‌تواند از سود و ضرر شخصی دولت سخن بگوید. دیوان در قضیه هابره نیز همین موضع را اتخاذ کرده و اعلام می‌نماید که دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه در ارتباط با تعهدات دولتی که در سرزمین آن متهم ادعایی حضور دارد دارای منفعت مشترک هستند و ضرورتی ندارد که به علاوه، منفعت خاص دولت عضو نیز اثبات گردد (ICJ, 2012:70). بر این اساس، «ادعاهایی مبنی بر اینکه دولتی تعهدات عم‌الشمول گروهی را نقض کرده است، اغلب از نوع ادعاهای جدی است که برای آنها استانداردهای بالاتری برای اثبات مورد نیاز است.»^۱ (ICJ, 2007: 43-187). به عنوان مثال به استانداردهای حقوقی برای اثبات نسل زدایی و شکنجه تحت کنوانسیون‌های منع نسل زدایی (۱۹۴۸) و منع شکنجه (۱۹۴۸) می‌توان اشاره کرد که دیوان، تعهدات ناشی از هر دوی آنها را تعهدات عام‌الشمول گروهی در نظر گرفته است» (Ukabiala and others, 2021: 239).

با این حال، طیف گسترده‌ای از معاهدات چندجانبه وجود دارد که تعهدات مندرج در آنها بر طبق ماده (الف) (۱) ۴۸ طرح مسئولیت دولت (ILC, 2001:48(1) (A)) در قبال گروهی از دولت‌های عضو و برای حمایت از منفعت جمعی آنها وضع شده و به عنوان تعهدات عام‌الشمول گروهی شناخته می‌شود. «هدف اکثر این کنوانسیون‌ها، حفاظت از ارزش‌های مشترک یا دستیابی به اهداف مشترک معین است که دولت‌های عضو نیز به نوبه خود منافع مشترکی در رعایت و اجرای آنها دارند» (Rose, 2022: 57-82). کنوانسیون‌هایی نظیر کنوانسیون منع جعل پول (۱۹۲۹)^۲ یا کنوانسیون مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما (۱۹۷۰) از این جمله می‌باشند. به نظر می‌رسد، در سالهای آینده شاهد دعاوی حقوقی‌ای باشیم که به طور بالقوه به اجرای تعهدات معاهده‌ای چندجانبه، نه تنها ناشی از قواعد آمره بلکه مربوط به محیط زیست و سایر جرایم عادی بین‌المللی مطرح خواهند شد.

^۱. مشخصات این پرونده به این شرح است:

ICJ, Application on the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosn v. Serb.), Judgment, 2007, 43, 187.

^۲. International Convention for the Suppression Currency, Geneva, 9th April to 20th April 1929 (C.328.M.114.1929.II), Annex III, P.234, Entered into Force 22 February 1931.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه هابره، با اتکا و توجه به موضوع و هدف کنوانسیون منع شکنجه (مقابله با بی‌کیفرمانی) به این نتیجه می‌رسد که در مورد کنوانسیون منع شکنجه هر دولت متعاقد می‌تواند به مسئولیت دولت متعاقد دیگر استناد کند (ICJ, 2012:69). بنابراین، تأیید عام‌الشمول گروهی بودن تعهد به محاکمه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری واجد این ظرفیت مهم است که به طور چشمگیری اعمال و کاربرد این مفهوم را در قبال نقض انواع کنوانسیون‌های چندجانبه بین‌المللی دیگر، در جایی که چنین نقض‌هایی به منزله نقض تعهدات مرتبط با «موضوع و هدف» این کنوانسیون‌ها است، توسعه یابد (Chow, 2021: 469). به عبارت دیگر ملاک ارائه شده توسط دیوان در رأی ۲۰۱۲ (قضیه هابره) می‌تواند در مورد سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی تعهد به محاکمه در نظر گرفته شود. این امر مستلزم آن است که «موضوع و هدف» هر کنوانسیون تعیین و ارتباطش با تعهد به محاکمه مشخص گردد. به عبارت دیگر، چنانچه هدف کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی تعهد به محاکمه، مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان این جرائم بوده و دولت‌های عضو در دستیابی به این هدف با یکدیگر همدستان و دارای یک منفعت مشترک در اجرای تعهد مزبور باشند منعی وجود ندارد که تعهد به محاکمه مندرج در چنین کنوانسیون‌هایی را یک تعهد عام‌الشمول گروهی تلقی نمائیم زیرا حق استناد دولت‌های عضو یک چنین کنوانسیون‌هایی ریشه در منفعت حقوقی مشترک آنها در اجرای تعهد به محاکمه پیش‌بینی شده در آنها دارد.

نتیجه‌گیری

دیوان بین‌المللی دادگستری در پاراگراف ۶۹ رأی خود در دعوای بلژیک علیه سنگال (۲۰۱۲) به صراحت اعلام کرد که، تعهد به محاکمه فرد متهم به ارتکاب اعمال شکنجه بر طبق ماده (۱)۷ کنوانسیون منع شکنجه یک تعهد عام‌الشمول گروهی است. همچنین براساس گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۱۴) نیز تعهد به استرداد یا محاکمه طبق ماده (۱)۷ کنوانسیون منع شکنجه تمام کشورهای عضو کنوانسیون را متعهد می‌سازد. در نتیجه هر کشور عضو، منافع مشترکی در اجرای چنین تعهدی دارد و می‌تواند به مسئولیت دولت دیگر عضو کنوانسیون که آنرا نقض کرده است استناد نماید. چنین مفهومی با ماده (الف)(۱)۴۸ طرح مسئولیت دولت (۲۰۰۱) مطابقت دارد.

در دعوی بلژیک علیه سنگال (۲۰۱۲) این بحث مطرح بود که آیا وضعیت بلژیک به عنوان عضو کنوانسیون منع شکنجه به خودی خود به گونه‌ای هست که بتواند علیه سنگال به عنوان عضو دیگر کنوانسیون در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی کند؟ اکثریت قضات دیوان به این نتیجه رسیدند که تعهد به محاکمه آقای هابره که به ارتکاب اعمال شکنجه متهم شده بود بر طبق ماده (۱)۷ کنوانسیون منع شکنجه تعهدی است که برای تحقق «موضوع و هدف» کنوانسیون که همانا «موثر ساختن تلاش‌ها در جهت از میان بردن شکنجه در سراسر جهان» است، ضروری می‌باشد (ICJ, 2012:69). از اینرو همه کشورهای عضو کنوانسیون منافع مشترکی در رعایت و اجرای تعهد به استرداد یا محاکمه داشته و از این حیث دیگر ضرورتی ندارد که دولت بلژیک به علاوه ثابت

کند که دارای منفعت خاص بوده و متضرر شده است (ICJ, 2012:95).

در این مقاله تلاش گردید تا نشان داده شود:

یکم) توصیف دیوان از تعهد به محاکمه به عنوان یک تعهد عام‌الشمول گروهی و حمایت از «منفعت مشترک» دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه به این معنا نیست که دولت‌های عضو هیچگونه «منفعت خاص» در ارتباط با رعایت و اجرای تعهد به استرداد یا محاکمه ندارند، و آن در جایی است که چنین دولتی از جمله دولت‌های مذکور در ماده ۵ کنوانسیون باشد. به عبارت دیگر، دولتی که جرم در قلمرو آن رخ داده باشد (بند الف) یا جرم توسط اتباع آن (بند ب) یا علیه اتباع آن (بند ج) ارتکاب یافته باشد حق اعمال صلاحیت خود را به ترتیب بر مبنای اصول صلاحیتی سرزمینی^۱، شخصی فعال^۲ و شخصی منفعل^۳ دارد و همین حق، او را در ارائه درخواست استرداد متهم به کشوری که وی در آنجا حضور دارد محق می‌سازد. بنابراین، دولت بلژیک که تعدادی از قربانیان جنایات آقای هابره از اتباع آن کشور بوده و شکایاتی را در مراجع قضایی آن کشور مطرح کرده بودند طبق بند (ج) ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه واجد صلاحیت شخصی منفعل بوده و می‌توانسته به عنوان یک دولت زیان‌دیده در مفهوم ماده ۴۲ طرح مواد راجع به مسئولیت دولت (۲۰۰۱) در نظر گرفته شود.

دوم) تأکید دیوان بر آمره بودن ممنوعیت ارتکاب اعمال شکنجه و اتکاء و توجه به «موضوع و هدف» کنوانسیون منع شکنجه به این معنا نیست که توصیف تعهد به محاکمه به عنوان یک تعهد عام‌الشمول گروهی فقط به کنوانسیون‌هایی نظیر کنوانسیون منع شکنجه یا کنوانسیون منع نسل‌زدایی که اعتبار قاعده آمره یافته‌اند محدود می‌شود و سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی تعهد به محاکمه که راجع به جرائم عادی یا فراملی هستند را شامل نمی‌شود. زیرا اگر هدف کنوانسیون‌های چندجانبه اخیر مبارزه با جرائم بین‌المللی و مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان این جرائم بوده و همه دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها در دستیابی به این هدف با یکدیگر همدستان و دارای «منفعت مشترک» باشند در این صورت اجرای عملی تعهدات عام‌الشمول گروهی می‌تواند فراتر از کنوانسیون منع شکنجه و نظیر آن گسترش یابد. آنچه اهمیت دارد این است که تعهد نقض شده به منزله نقض «موضوع و هدف» کنوانسیون چندجانبه باشد.

در چنین صورتی است که جبران نقض‌های حقوق بشر و ارزش‌های جامعه بین‌المللی همچون اجرای عدالت کیفری بین‌المللی از طریق مجازات مرتکبان جرائم بین‌المللی تضمین شده و به توسعه حقوق بین‌الملل عمومی کمک خواهد کرد.

منابع فارسی

۱. بیگزاده، ابراهیم، و میرفلاح نصیری، سیده ندا (۱۳۹۳). تعهد به استرداد یا محاکمه در حقوق

^۱. Principle of Territoriality

^۲. Principle of Active Personality

^۳. Principle of Passive Personality

- عرفی و رویه قضایی بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۷ (۶۶)، ۳۰-۱.
۲. رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۵). مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد به استرداد یا محاکمه در پرتو رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوای بلژیک علیه سنگال. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۴ (۸)، ۳۸-۵.
۳. عابدینی، عبدالله (۱۴۰۲). توسل به زور برای پیشگیری از ژنوسید: جدال حقوقی اکراین و روسیه در دیوان بین‌المللی دادگستری، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۲۰ (۱)، ۲۸-۷.
۴. فلسفی، هدایت‌الله. (۱۳۹۱). حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران: فرهنگ نشر نو.
۵. گروسیوس، هوگو. (۱۳۹۵). حقوق جنگ و صلح: مباحثی در حقوق طبیعی، حقوق ملل، و نکاتی اساسی در باب حکومت و سیاست، ترجمه پیران، حسین، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

English References

1. Bassiouni, M.C. & Wise, E.M. (1995). *Aut Dedere Aut Judicare (The Duty to Extradite or Prosecute)*, Dordrecht, Boston & London: Martinus Nijhoff Publishers.
2. Bickram Rana, P. (2018). An Analysis of Principle of Erga Omnes Partes with Special Reference to the Case of Belgium v. Senegal, 2012, *Kathmandu School of Law Review (KSL)*, 6(1), 193-198.
3. CHAD: Report of the Commission of Inquiry into the Crimes and Misappropriations Committed by Ex-President Habre, His Accomplices and / or Accessories, in: Kritz, N.J. ed., (1995). *Transitional Justice: How Emerging Democracies Reckon with Former Regimes*, Comm'n of Inquiry, 51-93.
4. Chow, P.Y.S. (2021). On Obligations Erga Omnes Partes, *Georgetown Journal of International Law*, 52(2), 469-504. at: [www.law.georgetown.edu/international-law-journal/wp-content/uploads/sites/21/\(2021/06/GT-GJIL2010018.pdf](http://www.law.georgetown.edu/international-law-journal/wp-content/uploads/sites/21/(2021/06/GT-GJIL2010018.pdf)
5. Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (1984). Art.7(1), Dec.10, S. Treaty Doc. No.100-20, 1465 U.N.T.S.85, at: <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-against-torture-and-other-cruel-inhuman-or-degrading>
6. Convention Against Transnational Organized Crime. (2000). Nov. 15, T.I.A.S.No.13127,2225 U.N.T.S.209, at: https://treaties.un.org/pages/viewdetails.aspx?src=treaty&mtidsg_no=xviii-12&chapter=18&clang=_en
7. Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft. (1970). Dec. 16, 22 U.S.T. 1641, 860 U.N.T.S. 105, at: <https://treaties.un.org/doc/db/terrorism/conv2-english.pdf>

8. Convention on the Safety of United Nations and Associated Personnel. (1994). Dec.9, Treaty Doc.No.107-1,2051 U.N.T.S. 363, at: <https://www.un.org/law/cod/safety.htm>
9. Craford, J.R. (2006). *State Responsibility*, Max Planckendyc Encyclopedia of Public International Law, Oxford Public International Law, at: https://spacelaw.univie.ac.at/fileadmin/user_upload/p_spacelaw/EPIL_State_Responsibility.pdf
10. Garrod. M. (2018). Unraveling the Confused Relationship Between Treaty Obligations to Extradite of Prosecute and “Universal Jurisdiction” in the light of the Habre Case”. *Harvard International Law Journal*, 59(1), 125-196.
11. Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sik in Armed Forces in the Field (1949). adopted 12 Agust, entered into force 21 october 1950) 75 UNTS 31; Convention for the Amelioration of the condition of the Wounded Sik and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, 1949 75 UNTS 85; Convention Relative to the Protection of civilian Persons in Time of war, 1949, 75 UNTS 287; Convention Relative to the Treatment of Prisoners of war, 1949, 75 UNTS 135, at: https://www.un.org/en/genocideprevention/documents/atrocity-crimes/Doc.30_GC-I-EN.pdf
12. *ICJ*. (1951). Reservation to the convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Advisory Opinion, at: <https://www.icj-cij.org/case/12>
13. *ICJ*. (1970). Barcelona traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), at: <https://www.icj-cij.org/case/50>
14. *ICJ*. (1992). Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention Arising from the Aerial Incident at Lockerbia (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom) and (Libiya Arab Jamahiriya v. united state of America) Provisional Measures of 14 April 1992, Reports, P.P. 3-10, at: <https://www.icj-cij.org/case/88>
15. *ICJ*. (2007). Application on the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosn v. Serb.), Judgment, 43, 187, at: <https://www.icj-cij.org/case/91>
16. *ICJ*. (2009). at 605, Paras. 21-23 (dissenting opinion by Sur, J.ad hoc); Habre case, Application Insituting Proceedings, Paras 3,11,15, Feb. 19, at: <https://www.i.c.j-c.i.j.org/files/case-related/144/15054.pdf>; Habre1, 2010, <https://www.i.c.j-c.i.j.org/files/case-related/144/16933.pdf>; Habre case, verbatim Record, Paras.1.3-1.4,1.12-1.13 (Mar.12, 2012); <https://www.i.c.j-c.i.j.org/files/case-related/144/144/20120212-ORA-01-01-01-BI.Pdf>
17. *ICJ*. (2012). Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite, (Belgium v.

- Senegal), July 20, at: <https://www.icj-cij.org/case/144>
18. *ILC*. (2001). Draft Articles on Responsibility of State for Intrnationally wrongful Acts, Adopted on December 12, U.N.G.T.A 56138 A 65/149(1) Corr 4, (ARSIWA), at: https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf
 19. *ILC*. (2001). Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries, (A/56/10), at: https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf
 20. *International Convention Against the Recruitment, Use, Financing and Training of Mercenaries*. (1989). Dec. 4, 2163 U.N.T.S 75, at: <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-convention-against-recruitment-use-financing-and>
 21. *International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance*. (2006). Dec. 20, 2716 U.N.T.S.3, at: <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-convention-protection-all-persons-enforced>
 22. *International Convention for the Suppression Currency*, Geneva. (1929). 9th April to 20 th April (C.328.M.114.1929.II), Annex III, P.234, Entered into Force 22 February 1931.
 23. *International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism*. (1999). DOC. 9, T.I.A.S. No.13075, 2178 U.N.T.S.197, at: <https://treaties.un.org/doc/db/terrorism/english-18-11.pdf>
 24. McGarry, B. (2023). Obligations Erga Omnes (Partes) and the Participation of Third States in Inter-State Litigation. *The Law & Practice of International Courts and Tribunals*, 22(2), 273-300. <https://doi.org/10.1163/15718034-bja10099>
 25. Memeti, A., & Nuhija, B. (2013). The concept of Erga Omnes Obligations in International Law, *New Balkan Politics*, 14.
 26. Panov, S.M. (2016). The Obligation Aut Dedere Aut Judicare ('Extradite or Prosecute') in International law: Scope, Content, Sources and Applicability of the Obligation 'Extradite or Prosecute', Birmingham Law School University of Birmingham.
 27. Rose, C. (2022). Enforcing the 'Community interst' in Combating Transnational Crimes: The Potential for Public Interest Litigation. *Netherlands International Law Review*, 69(1), 57-82.
 28. Ukabiala, N., Pickard, D., & Yamanoto. A. (2021). Ergaomnes Parties Before the International Court of Justice: From Standing to Judgment on the Merits. *ILSA Journal of International and Comparative Law*, 27(2).

29. UN.Doc.A/56/10, at54. (2001). at:
https://legal.un.org/ilc/documentation/english/reports/a_56_10.pdf
30. *United Nations Convention Against Corruption*. (2003). Oct. 31, S. Treaty Doc.No.109-6, 2349 U.N.T.S. 41,
https://www.unodc.org/documents/brussels/UN_Convention_Against_Corruption.pdf

Translated References to English

1. Abedini, A. (2023). Use of Force to Prevent Genocide: A Legal Struggle between Ukraine and Russia in the International Court of Justice. *International Studies Journal (ISJ)*, 20(1), 7-28. doi: 10.22034/isj.2023.346204.1845 **(In Persian)**
2. Bassiouni, M.C. & Wise, E.M. (1995). *Aut Dedere Aut Judicare (The Duty to Extradite or Prosecute)*, Dordrecht, Boston & London: Martinus Nijhoff Publishers.
3. Beygzadeh, E., & Mirfallah Nasiri, S.N. (2014). The Obligation to Extradite or Prosecute in Customary Law and International Jurisprudence. *Legal Research Quarterly*, 17(66), 1-30. **(In Persian)**
4. Bickram Rana, P. (2018). An Analysis of Principle of Erga Omnes Parties with Special Reference to the Case of Belgium v. Senegal, 2012, *Kathmandu School of Law Review (KSL)*, 6(1), 193-198.
5. CHAD: Report of the Commission of Inquiry into the Crimes and Misappropriations Committed by Ex-President Habre, His Accomplices and / or Accessories, in: Kritz, N.J. ed., (1995). *Transitional Justice: How Emerging Democracies Reckon with Former Regimes*, Comm'n of Inquiry, 51-93.
6. Chow, P.Y.S. (2021). On Obligations Erga Omnes Parties, *Georgetown Journal of International Law*, 52(2), 469-504. at: [www.law.georgetown.edu/international-law-journal/wp-content/uploads/sites/21/\(2021/06/GT-GJIL2010018.pdf](http://www.law.georgetown.edu/international-law-journal/wp-content/uploads/sites/21/(2021/06/GT-GJIL2010018.pdf)
7. Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (1984). Art.7(1), Dec.10, S. Treaty Doc. No.100-20, 1465 U.N.T.S.85, at: <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-against-torture-and-other-cruel-inhuman-or-degrading>
8. Convention Against Transnational Organized Crime. (2000). Nov. 15, T.I.A.S.No.13127,2225 U.N.T.S.209, at:
https://treaties.un.org/pages/viewdetails.aspx?src=treaty&mtdsg_no=xviii-12&chapter=18&clang=_en
9. Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft. (1970). Dec. 16, 22

- U.S.T. 1641, 860 U.N.T.S. 105, at: <https://treaties.un.org/doc/db/terrorism/conv2-english.pdf>
10. Convention on the Safety of United Nations and Associated Personnel. (1994). Dec.9, Treaty Doc.No.107-1,2051 U.N.T.S. 363, at: <https://www.un.org/law/cod/safety.htm>
11. Craford, J.R. (2006). *State Responsibility*, Max Planckendyc Encyclopedia of Public International Law, Oxford Public International Law, at: https://spacelaw.univie.ac.at/fileadmin/user_upload/p_spacelaw/EPIL_State_Responsibility.pdf
12. Falsafi, H. (2012), *International Treaty law*, Tehran Farhange Nashre Now. **(In Persian)**
13. Garrod. M. (2018). Unraveling the Confused Relationship Between Treaty Obligations to Extradite of Prosecute and “Universal Jurisdiction” in the light of the Habre Case”. *Harvard International Law Journal*, 59(1), 125-196.
14. Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sik in Armed Forces in the Field (1949), adopted 12 Agust, entered into force 21 october 1950) 75 UNTS 31; Convention for the Amelioration of the condition of the Wounded Sik and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, 1949 75 UNTS 85; Convention Relative to the Protection of civilian Persons in Time of war, 1949, 75 UNTS 287; Convention Relative to the Treatment of Prisoners of war, 1949, 75 UNTS 135, at: https://www.un.org/en/genocideprevention/documents/atrocity-crimes/Doc.30_GC-I-EN.pdf
15. Gerotius, H. (2017). *The Rights of war and Peace, Including the law of Nature and of Nations*, Translator Piran, H., Tehran: Legal Studies and Research Institute of shahre Danesh. **(In Persian)**
16. *ICJ.* (1951). Reservation to the convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Advisory Opinion, at: <https://www.icj-cij.org/case/12>
17. *ICJ.* (1970). Barcelona traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), at: <https://www.icj-cij.org/case/50>
18. *ICJ.* (1992). Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention Arising from the Aerial Incident at Lockerbia (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom) and (Libiya Arab Jamahiriya v. united state of America) Provisional Measures of 14 April 1992, Reports, P.P. 3-10, at: <https://www.icj-cij.org/case/88>
19. *ICJ.* (2007). Application on the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosn v. Serb.), Judgment, 43, 187, at: <https://www.icj-cij.org/case/91>

20. *ICJ*. (2009). at 605, Paras. 21-23 (dissenting opinion by Sur, J.ad hoc); Habre case, Application Insituting Proceedings, Paras 3,11,15, Feb. 19, at: <https://www.i.c.j-c.i.j.org/files/case-related/144/15054.pdf>; Habre1, 2010, <https://www.i.c.j-c.i.j.org/files/case-related/144/16933.pdf>; Habre case, verbatim Record, Paras.1.3-1.4,1.12-1.13 (Mar.12, 2012); <https://www.i.c.j-c.i.j.org/files/case-related/144/144/20120212-ORA-01-01-01-BL.Pdf>
21. *ICJ*. (2012). Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite, (Belgium v. Senegal), July 20, at: <https://www.icj-cij.org/case/144>
22. *ILC*. (2001). Draft Articles on Responsibility of State for Intrnationally wrongful Acts, Adopted on December 12, U.N.G.T.A 56138 A 65/149(1) Corr 4, (ARSIWA), at: https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf
23. *ILC*. (2001). Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries, (A/56/10), at: https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf
24. *International Convention Against the Recruitment, Use, Financing and Training of Mercenaries*. (1989). Dec. 4, 2163 U.N.T.S 75, at: <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-convention-against-recruitment-use-financing-and>
25. *International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance*. (2006). Dec. 20, 2716 U.N.T.S.3, at: <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-convention-protection-all-persons-enforced>
26. *International Convention for the Suppression Currency*, Geneva. (1929). 9th April to 20 th April (C.328.M.114.1929.II), Annex III, P.234, Entered into Force 22 February 1931.
27. *International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism*. (1999). DOC. 9, T.I.A.S. No.13075, 2178 U.N.T.S.197, at: <https://treaties.un.org/doc/db/terrorism/english-18-11.pdf>
28. McGarry, B. (2023). Obligations Erga Omnes (Partes) and the Participation of Third States in Inter-State Litigation. *The Law & Practice of International Courts and Tribunals*, 22(2), 273-300. <https://doi.org/10.1163/15718034-bja10099>
29. Memeti, A., & Nuhija, B. (2013). The concept of Erga Omnes Obligations in International Law, *New Balkan Politics*, 14.
30. Panov, S.M. (2016). The Obligation Aut Dedere Aut Judicare ('Extradite of Prosecute') in International law: Scope, Content, Sources and Applicability of the Obligation 'Extradite or Prosecute', Birmingham Law School University of Birmingham.

31. Ramazani Ghavamabadi, M. H. (2017). International Responsibility Arising from the Breach of the Obligation to Extradite or Prosecute in the light of the International Court of Justice in the case of Belgium against Senegal. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 4(8), 5-38. **(In Persian)**
32. Rose, C. (2022). Enforcing the 'Community interest' in Combating Transnational Crimes: The Potential for Public Interest Litigation. *Netherlands International Law Review*, 69(1), 57-82.
33. Ukabiala, N., Pickard, D., & Yamanoto. A. (2021). Ergaomnes Parties Before the International Court of Justice: From Standing to Judgment on the Merits. *ILSA Journal of International and Comparative Law*, 27(2).
34. UN.Doc.A/56/10, at54. (2001). at:
https://legal.un.org/ilc/documentation/english/reports/a_56_10.pdf
35. *United Nations Convention Against Corruption*. (2003). Oct. 31, S. Treaty Doc.No.109-6, 2349 U.N.T.S. 41,
https://www.unodc.org/documents/brussels/UN_Convention_Against_Corruption.pdf

